



# امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و

تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دری و پشتو) ارسال میگردد

۲۹/جمادی الأول/۱۴۴۴هـ ق مطابق ۲/جدی/۱۴۰۱هـ ش

## توجه کامل بامعذورین و معلولین و همکاری همه جانبه با آنها

الحمد لله رب العالمین، علی نعمه الظاهر والباطنه لا نحصى ثناء علیه هو کما اثنی علی نفسه، واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر واشهد ان محمداً عبده ورسوله، ارسله لیبان الحق وهدایة الخلق، فبین للناس ما نزل الیه من ربهم وترک الامة علی البیضاء لیلها کنهارها، لا یزیغ عنها الاهاک صلی الله علیه وعلی آله واصحابه ومن تبعهم باحسان، وسلم تسلیماً کثیراً. اما بعد:

جوری وسلامتی اعضای بدن نعمتی از جمله نعمتهای پروردگار است، مناسب است که بنده بخاطر صحت وسلامتی اعضای بدن خود شکر وسپاس الله تعالی را بجای آورد.

در جامعه افرادی وجود دارد که بعضی اعضای بدن آنها ناقص است ومعذور اند، بعضی از ناحیه پا معذور اند، بعضی از ناحیه دست معذور اند، بعضی از ناحیه چشم معذور اند، بعضی از ناحیه زبان گنگ اند، که این همه امتحانی از جانب الله تعالی برای بنده است، که به این بندگان خود را می آزماید که آیا بنده در برابر این مصیبت صبر میکنند یا بی صبری میکنند.

عذر ومعلولیت همت مسلمان را ضعیف نمی کند بلکه بسیاری از مردم معذور ومعلول دیده شده است که همت وعزم آنها از بسیار مردم صحتمند وتندرست خیلی زیاد وعالی بوده ودر زندگی خود از بسیاری مردم کرده موفق اند.

در روشنائی تاریخ اسلام ما اینطور نمونه های داریم که در علم، تقوا، مجتهدین بزرگ وامامان بودند که رهبران دینی ما اند واز برای این امت خدمات فراموش ناشدنی کرده اند که یاد آنها تا امروز در صفحات زرین تاریخ باقی است که صاحبان مراتب عالی بودند.

آیات آغازین سوره عبس، در مورد صحابی جلیل القدر عبدالله ابن ام مکتوم نازل شده است که از چشم نابینا بود و بالآخره در غزوه قادسیه به شهادت رسید. در باره حضرت معاذ ابن جبل رضی الله عنه آمده است که او از ناحیه پا معذور بود، در حالیکه حضرت معاذ رضی الله عنه یک بخشی از تاریخ اسلام بوده و رسول الله صلی الله علیه وسلم او را به صفت والی در یمن گماشته بود، حضرت عمر فاروق رضی الله عنه درباره حضرت معاذ رضی الله عنه میگوید: (من أراد الفقه، فلیأت معاذ بن جبل). [رواه الحاکم] حضرت عبد الله ابن عباس رضی الله عنه ترجمان قرآن کریم در آخر عمر از ناحیه چشم معذور شد. امام عطا ابن ابی رباح از ناحیه دست معذور بود اما با وجود آن در مکه مکرمه فقیه بزرگ بود. در باره امام ترمذی آمده است که وی از ناحیه چشم نابینا بود ولی در بخش حدیث امام بزرگ بود. انسان های معذور، معیوب و معلول اعضای جامعه اند و در جامعه بالای افراد سالم و صحتمند حقوق زیادی دارند.

صبر کردن در برابر معذوریت و معلولیت :

کسی را که الله تعالی امتحان کرده باشد که بعضی اعضای بدن او معیوب و یا معلول باشد، باید در برابر این امتحان الهی صبر کند تا که اجر و پاداش زیادی نصیب او شود چرا رضا به قضای الهی جز ایمان است. همیشه این فکر را بکنند که این همه چیز از جانب الله تعالی است .

افراد سالم و معیوب هر دو در امتحان الله تعالی قرار دارند، از انسان سالم و صحتمند الله تعالی در باره صحت او از وی پرسان میکند و امتحان میشود در حدیث شریف می آید: (كُلُّ سَلَامٍ مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ). متفق علیه ترجمه: در بدل هر اعضای انسان صدقه ای است، انسان جور و سالم از هر عضو خود صدقه آن را اداء کند که در مورد آن امتحان کرده شده است.

همچنان شخص معیوب در معیوبیت خود مورد امتحان قرار گرفته که او به صبر کردن امتحان میشود.

الله جل جلاله میفرماید: {وَبَلَّوْنَا هُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ} [الاعراف: (۱۶۸)]

ترجمه: - آنها را به نعمت ها و محنت ها آزمودیم تا به سوی راه راست باز گردند.

در یک آیت کریمه آمده است: { وَنَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً } [الأنبیاء: ۳۵] ترجمه: و شمارا به سختی و آسودگی کاملاً می آزمائیم و به سوی ما باز گردانده میشوید.

مراد از صبر کردن در معذوریت و معلولیت این است که به قضای الله تعالی خود را راضی بشمارند و برای مخلوق از تکلیف خود شکایت نکند و به اندازه توان خود عبادت الله تعالی را انجام دهد و از سوال و گدائی کردن خود داری نماید.

در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ قَالَ إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتِيهِ فَصَبِرَ عَوَّضَتْهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةُ). صحیح البخاری

ترجمه:- از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که او گفت: شنیدم از رسول الله صلی الله علیه وسلم میگفت: الله متعال فرمود وقتیکه امتحان کنم بنده ام را به دوچشمش و آن درمقابل این مصیبت صبر کند عوض میدهم برای آن جنت را.

در برابر مریضی صبر نمودن جنت است. در حدیث شریف آمده است: (عن عطاء بن ابي رباح قال قال لي ابن عباس ألا أريك امرأة من أهل الجنة قلت بلى قال هذه المرأة السوداء أتت النبي -صلى الله عليه وسلم- فقالت إني أصرع وإني أتكشفت فادع الله لي قال إن شئت صبرت ولك الجنة وإن شئت دعوت الله أن يعافيك فقالت أصبر فقالت إني أتكشفت فادع الله لي أن لا أتكشفت فدعا لها). صحیح البخاری -

ترجمه:- از عطاء ابن ابی رباحه روایت است که او گفت: برای من ابن عباس گفت: آیا نشان ندهم برای تو زنی از اهل بهشت را؟ گفتم: بلی! گفت این زن سیاه پوست آمد به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم وگفت: من بیهوش میشوم و من برهنه میشوم دعا کن از برای من از الله تعالی، گفت: اگر بخواهی صبر کنی از برای تو جنت است و اگر بخواهی من برایت دعا کنم و الله تعالی تو را عافیت نصیب کند، پس آن زن گفت: من صبر میکنم وگفت من برهنه میشوم دعا کن از الله تعالی که دیگر برهنه نشوم و پیامبر علیه السلام برای او دعا کرد.

در یک حدیث شریف آمده است: (عن أبي هريرة رفته إلى النبي صلى الله عليه وسلم قال: يقول الله عز وجل: من أذهبته حبيبته فصبر واحتسب، لم أرض له ثواباً دون الجنة) رواه الترمذی

ترجمه: از حضرت ابی هریره رضی الله عنه روایت است که آنرا به رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌رسانند: گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم که الله تعالی می‌فرماید: کسی را که بگیرم هر دو چشمش را و او صبر نماید و طلب ثواب را داشته باشد من راضی نمیشوم برای او ثوابی را بجز جنت.

در حدیث دیگری آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: (ألا أخبركم بأهل الجنة؟ كل ضعيف متضعف، لو أقسم على الله لأبره) متفق علیه

ترجمه:- آیا شمارا خبر ندهم به اهل جنت؟ هر ضعیف ناتوان (که مردم او را حقیر و پست می‌شمارند) که اگر قسم بخورد به الله تعالی (در باره کاری) الله تعالی او را راستگو می‌سازد.

در آخرت صاحبان عافیت حالت مردمان معذور و معلول را تمنا میکنند:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: (يود أهل العافية يوم القيامة حين يعطى أهل البلاء الثواب لو أن جلودهم كانت قرضت في الدنيا بالمقاريض) رواه الترمذی

ترجمه:- دوست میدارند صحت‌مندان و تندرستان در روز قیامت و قتیکه ثواب داده میشود از برای کسانی که اهل امتحان یعنی (معذورین و معیوبین) ای کاشکی پوست های ما هم در دنیا توسط قیچی، بریده میشد (که ما هم این ثواب را مانند معیوبین درمی یافتیم).

شخص معذور باید همیشه این فکر را داشته باشد که این معذورت برای من خیر است. طوریکه در حدیث شریف آمده است: (مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ). رواه البخاری. ترجمه: به کسی که الله تعالی اراده خیر را بکند به او میرساند تکلیفی (عذری)

واقعه سه نفر که به امراض ابرص، کل وکور:

(عن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: إِنَّ ثَلَاثَةَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، أَبْرَصَ وَأَقْرَعَ وَأَعْمَى بَدَأَ اللَّهُ أَنْ يَبْتَلِيَهُمْ فَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَكًا فَآتَى الْأَبْرَصَ فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ: لَوْ نُحْسِنُ وَجِلْدُ حَسَنٌ قَدْ قَدَرْنِي النَّاسُ قَالَ: فَمَسَحَهُ، فَذَهَبَ عَنْهُ فَأَعْطَى لَوْنًا حَسَنًا فَقَالَ: أَيُّ الْمَالِ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ: الْإِبِلُ فَأَعْطَى نَاقَةً عَشْرَاءَ فَقَالَ: يُبَارِكُ لَكَ فِيهَا، وَآتَى الْأَقْرَعَ فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ: شَعْرٌ حَسَنٌ، وَيَذْهَبُ عَنِّي هَذَا قَدْ قَدَرْنِي النَّاسُ قَالَ: فَمَسَحَهُ فَذَهَبَ وَأَعْطَى شَعْرًا حَسَنًا قَالَ: فَأَيُّ الْمَالِ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ: الْبَقْرُ قَالَ: فَأَعْطَاهُ بَقْرَةً حَامِلًا وَقَالَ: يُبَارِكُ لَكَ فِيهَا، وَآتَى الْأَعْمَى، فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ: يَرُدُّ اللَّهُ إِلَيَّ بَصْرِي، فَأَبْصِرُ بِهِ النَّاسُ قَالَ: فَمَسَحَهُ فَردَّ اللَّهُ إِلَيْهِ بَصْرَهُ قَالَ: فَأَيُّ الْمَالِ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ: الْغَنَمُ فَأَعْطَاهُ شَاءَ وَالِدًا فَاتَّجَنَ هَذَا وَوَلَدَ هَذَا فَكَانَ لِهَذِهِ وَادٍ مِنْ إِبِلٍ، وَلِهَذَا وَادٍ مِنْ بَقَرٍ، وَلِهَذَا وَادٍ مِنَ الْغَنَمِ، ثُمَّ إِنَّهُ آتَى الْأَبْرَصَ فِي صُورَتِهِ وَهَيْئَتِهِ، فَقَالَ: رَجُلٌ مَسْكِينٌ تَقَطَّعَتْ بِي الْحَبَالُ فِي سَفَرِي فَلَا بَلَاغَ الْيَوْمَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ بَكَ أَسْأَلُكَ، بِالَّذِي أُعْطَاكَ اللَّوْنَ الْحَسَنَ، وَالْجِلْدَ الْحَسَنَ، وَالْمَالِ، بَعِيرًا أَتَبَلَّغُ عَلَيْهِ فِي سَفَرِي فَقَالَ لَهُ: إِنَّ الْحَقُوقَ كَثِيرَةٌ فَقَالَ لَهُ: كَأَنِّي أَعْرِفُكَ أَلَمْ تَكُنْ أَبْرَصَ يَقْدُرُكَ النَّاسُ، فَقِيرًا فَأَعْطَاكَ اللَّهُ فَقَالَ: لَقَدْ وَرِثْتُ لِكَابِرٍ عَنْ كَابِرٍ فَقَالَ: إِنْ كُنْتُ كَاذِبًا، فَصَيَّرَكَ اللَّهُ إِلَيَّ مَا كُنْتُ، وَآتَى الْأَقْرَعَ فِي صُورَتِهِ وَهَيْئَتِهِ، فَقَالَ لَهُ مِثْلَ مَا قَالَ لِهَذَا فَردَّ عَلَيْهِ مِثْلَ مَا رَدَّ عَلَيْهِ هَذَا فَقَالَ: إِنْ كُنْتُ كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللَّهُ إِلَيَّ مَا كُنْتُ، وَآتَى الْأَعْمَى فِي صُورَتِهِ فَقَالَ: رَجُلٌ مَسْكِينٌ، وَأَبْنُ سَبِيلٍ، وَتَقَطَّعَتْ بِي الْحَبَالُ فِي سَفَرِي فَلَا بَلَاغَ الْيَوْمَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ بَكَ أَسْأَلُكَ، بِالَّذِي رَدَّ عَلَيْكَ بَصْرَكَ، شَاءَ أَتَبَلَّغُ بِهَا فِي سَفَرِي فَقَالَ: قَدْ كُنْتُ أَعْمَى فَردَّ اللَّهُ بَصْرِي، وَفَقِيرًا فَقَدْ أَغْنَانِي فَخُذْ مَا شِئْتَ فَوَاللَّهِ لَا أَجْهَدُكَ الْيَوْمَ بِشَيْءٍ أَخَذْتَهُ اللَّهُ فَقَالَ: أُمْسِكْ مَا لَكَ فَإِنَّمَا ابْتَلَيْتُمْ فَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ، وَسَخِطَ عَلَيَّ صَاحِبِيكَ). [أَخْرَجَهُ الْبُخَارِيُّ

ترجمه:- از حضرت ابی هریره رضی الله عنه روایت است که میگوید من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرموده اند: در بنی اسرائیل سه نفر بودند: یکی به برص، دیگری به کلی و دیگری به کوری مبتلا بودند، الله تعالی خواست که اینهارا امتحان کند به ایشان فرشته ای را به صورت (انسان) فرستاد آن فرشته نزد شخصی که به مرض برص مبتلا بود رفت و به او گفت: نزد تو کدام چیز خیلی محبوب است او گفت: رنگ و جلد زیبا، چرا که مرا مردم بد میبیند فرشته به او دست کشید و مرض از آن دور شد، رنگ و پوست زیبا برای او داده شد؛ فرشته به او گفت: دربین مالها کدام مال به نزد تو محبوب است؟ او گفت شتر را خوش دارم، به او یک شتر حامله داده شد، به او گفت: خداوند در

این برایت برکت بیندازد؛ بعد از آن به نزد کل رفت و به او گفت به نزد تو کدام چیزی زیاد محبوب است؟ او گفت: به من موی های زیبا محبوب است و دیگر اینکه این حالت از من دور شود، بدون شک مردم از من نفرت میکنند، فرشته بر سر او دست کشید و کلی او دور شد و موی های زیبا برای وی داده شد، باز برای او گفت: کدام نوع مال را خوش داری او گفت: گاو را خوش دارم به او یک گاو حامله داده شد و به او گفت الله در این برایت برکت بیندازد؛ باز فرشته به نزد کور رفت و به او گفت: چه چیزی به نزد تو محبوب است او گفت: الله تعالی بینائی مرا برایم بدهد که مردم را به چشم خود ببینم فرشته به او دست کشید الله تعالی بینائی چشم را به او نصیب کرد باز فرشته به او گفت در مال ها کدام مال را خوش داری او گفت: گوسفند را خوش دارم و برای او گوسفندی داده شد که به نزد او زائید، که این شتر و این گاو هم زائیدن و گوسفند هم چوپه داد؛ که از هر کدام اینها یک گله ای از شتر و گله ای از گاو و گله از گوسفند جور شد.

پس آن فرشته به شکل اولی به نزد برص والا رفت و گفت: من یک مسکین هستم که در این سفرم همه وسائلم تمام شده امروز به منزل رسیده نمی توانم مگر به کمک پروردگار و از تو بنام آن ذاتی سوال میکنم که به تو رنگ، جلد زیبا و مال فراوان داده است از شما یک شتر میخواهم که به واسطه آن به منزل خود برسم، آن شخص در جواب گفت: بالای من حقوق مالی زیاد است به تو چیزی نمی رسد فرشته به او گفت: من تورا میشناسم تو آن شخصی نبودی که به مرض برص مبتلا بودی و مردم از تو نفرت میکرد، فقیر بودی الله تعالی تورا مال داد، آن شخص برای فرشته گفت: این مال برای من از بزرگان بزرگان به میراث مانده است، فرشته به او گفت: اگر دروغ گو باشی الله تعالی تورا به حالت اولی ات بگرداند. بعد از آن فرشته به نزد کل به شکل و صورت اولی رفت برای او گفت: طوریکه برای ابرص گفته بود، کل هم جواب داد مثل جواب ابرص والا، فرشته به او گفت: اگر دروغ گو باشی الله تعالی تورا به آن حالتی برساند که در گذشته بودی. باز فرشته به نزد کور به شکل اولی رفت و به او گفت من مسکین هستم و مسافر هستم و اسباب سفرم تمام شده، امکان رسیدن من به منزل خود نیست مگر به کمک الله تعالی و از تو میخواهم که بنام آن ذاتیکه به تو بینائی نصیب کرده، یک گوسفند برایم بده تا اینکه به منزل خود برسم، آن مرد گفت: من کور بودم الله تعالی بینائی ام را نصیب کرد، فقیر بودم مرا غنی ساخت، بگیر هر چه که خوش داری، قسم به الله تعالی که من امروز به تو هیچ نوع سختی نمی کنم بر آنچه که تو میگیری به رضای الله تعالی، فرشته به او گفت: مال خود را نگاه کن بدون شک شما امتحان کرده شدید و بدون شک الله تعالی از تو راضی شد و به آن دوشخص دیگر غضب شد.

واقعه ابن زبیر ابن عوام رحمه الله:

عروه بن زبیر بن عوام رحمه الله که تابعی جلیل القدر بود، به دیدن عبدالملک ابن مروان روان بود و در پای او دانه بود (که گوشت را میخورد) و قتیکه ملاقات وی با عبدالملک بن مروان نزدیک شد، دانه زیاد شده رفت و حتی تمام پارا فراگرفت طیب به وی گفت: بدون قطع کردن پا چاره دیگری نداری، عروه ابن زبیر رحمه الله گفت: چه گونه قطع میکنی طیب گفت: شما شراب بنوشید تا که درد قطع کردن پارا احساس نکنید، حضرت عروه رحمه الله به وی گفت: من این کار را نمیکنم و این کارا کرده نمی توانم که در وقت امتحان شراب بنوشم و در وقت امتحان از حرام استفاده کنم، من اینطور مسلمان را نمی شناسم که اینطور حالتی بیاید که او از پروردگار خود غافل شود، شما این کار را بکنید وقتی که من به نماز ایستاده می شوم در این حالت شما میتوانید پای من را قطع کنید. همینطور شد و قتیکه حضرت عروه به نماز ایستاد شد طیب پای او را قطع کرد اوبه این کار نفهمید. از عروه ابن زبیر چهار فرزند بود، چند روز بعد از قطع کردن پای وی پسر بزرگ او را اسپ زد و مرد و قتیکه این خبر به عروه رسید اینطور گفت: ای الله! از چهار فرزند یکی را گرفتی و سه برایم باقی ماند و از جمله چهار اندام من یکی را گرفتی و سه را برایم گذاشتی: (اللهم لئن ابتليت فلقد عافيت، ولئن أخذت فلقد أبقيت، قال الله تبارك وتعالى: { لئن شكرتم لأزيدنكم ولئن كفرتم إن عذابي لشديد } [ابراهيم: 7].

حقوق معلولین و معذورین بالای نظام:

شریعت اسلام در هر بخش زندگی و برای تمام انسانها احکام و هدایات خاصی دارد و هیچکس نیست که حقوق و وجائب آن در شریعت معلوم نباشد

الله تعالی از برای معلولین و معیوبین برخی از احکام استثنائی دارد. الله تعالی افراد معذور و معلول را مانند افراد سالم به جهاد مسلحانه مکلف نکرده است؛ این یک دلیل روشن است بر اینکه اینها را در بعضی موارد از بعضی احکام مستثنی قرار داده شده اند. مانند جهاد مسلحانه؛ الله جل جلاله میفرماید: {لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى

الْمَرِيضِ حَرْجٌ} [النور: 61]

ترجمه: - بر نابینایان مشقت (گناه) نیست و نه بر لنگ و نه بر بیمار گناهی است.

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم به افراد معذور و معلول اینطور معامله میکرد، که در قلب معذورین و معلولین محبت و احترام پیدا میشد و این سبب میشد که در دلهای آنها مقابل معلولیت صبر، تحمل، شجاعت، تقوا پیدا میشد که مانند افراد سالم در جامعه نقش مثبت را اداء میکردند.

این جای بسیار خوشی است که در زیر چتر وزارت شهداء و معلولین امارت اسلامی افغانستان تقریباً پنج لک یتیم، بیوه، معلولین و معیوبین قرار دارد و وزارت محترم شهداء آنرا سرپرستی میکند و به آنها در جریان سال کمک مالی میکند بغیر اینکه بین یتیمان، معیوبین و معلولین گذشته و یتیمان، معیوبین و معلولین امارت اسلامی فرق وجود داشته باشد.

علاوه بر این باید نظام اسلامی برای معلولین و معیوبین ارزش بدهد و در نظام با خود آنها را شریک کند باید آنها تجرید نشوند خصوصاً آن مجاهدینی که در جهاد مقدس دست، پا و چشمان خود را از دست داده اند.

مناسب است به کسانی که معلولیت شان کم است و ظرفیت کاری دارند به ایشان مطابق توان و تجربه ایشان وظیفه مناسب داده شود و اگر توان کار ندارند، برای آنها زمینه فرصت کاری مساعد شود تا اینکه آنها احساس تنهای و تجرید نکنند.

طوری که رسول الله صلی الله علیه وسلم دوبار عبدالله ابن ام مکتوم رضی الله عنه را در مدینه منوره بجای خود سرپرست مدینه تعیین کرد که به مردم امامت و نماز را اداء میکرد در حالیکه از ناحیه چشم معذور بود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم این کار را بخاطر این کرد که به مردم نشان بدهد که بهتریت به سلامتی جسم منحصر نیست بلکه معیار بهتری در میان انسانها تقوا، علم و توانایی است.

صحابه کرام به نقش قدم پیامبر صلی الله علیه وسلم قدم گذاشته اند و بعد از اصحاب کرام خلفای بنی اموی به این راه رفته اند که معذورین و معلولین را پرورش و سرپرستی میکردند خلیفه پنجم حضرت عمر ابن عبدالعزیز رحمه الله به تمام والیان خود نوشته کرد که برای من نامه‌های ناپیناها، معذورین و معلولین را روان کنید که به تماز رفته نمی توانند که برای آنها از بیت المال معاش تعیین کنم و برای اشخاص ناپینا عساکش تعیین کنم و برای مریضان مؤمین خادم تعیین نمایم.

عین چیز را ولید بن عبدالملک اجرا نمودند که در سال ۸۸ هجری، برای مریضان مزمن مهمان خانه ای را بمیان آورد که در آن طبیان و خادمان موجود بود، که برای مریضان خدمت میکردند و برای معذورین و معلولین گفتند شما از مردم سوال و گدائی نکنید.

حقوق مردم معذور و معلول بالای مردم سالم و کمک همه جانبه از برای ایشان:

اشخاص معذور و معلول بخشی از جامعه ما هستند و جامعه از اینها ترکیب شده است.

هر نوع کمک های همه جانبه همراى معذورین و معلولین حق آنها است، و در زندگی هر بخش آنها همراى آنها کمک کردن حق آنهاست و این هدایت شریعت است که در عبور از راه همراى آنها کمک کردن حق آنهاست و در عرضه خدمات اجتماعى همراى آنها کمک کردن که اگر آنها به لباس ضرورت داشتند و یابسه خوردنی و نوشیدن ضرورت داشتند به حد توان همراى آنها کمک کردن مسئولیت اخلاقى هر مسلمان هست.

در جامعه افراد معلول و معیوب را مانند افراد سالم احترام کردن و به آنها کمک همه جانبه لازم هست؛ بلکه از افراد سالم کرده همراهی آنها کمک بیشتر کردن لازم است، چراکه علاوه بر آنکه اینها اعضای جامعه هستند نسبت به افراد سالم به کمک زیاد محتاج اند. دیگر اینکه الله تعالی به واسطه معذورین و معلولین افراد سالم را روزی می‌دهد، طوریکه در حدیث شریف آمده است: (هَلْ تُنْصَرُونَ وَ تُرْزُقُونَ إِلَّا بضعفائکم). رواه البخاری

ترجمه: - شما کمک و روزی داده نمی‌شود مگر به واسطه ضعیفان تان.

در یک حدیث دیگری آمده است: (أَبْغُونِي ضَعْفَاءَكُمْ، فَإِنَّمَا تُرْزَقُونَ وَ تُنْصَرُونَ بضعفائکم) رواه الترمذی

ترجمه: - ضعیفان تان را طلب کنید نزد من زیرا شمار روزی و نصرت داده می‌شوید به سبب ضعیفان تان.

در یک حدیث دیگری آمده است: (إِنَّمَا يَنْصُرُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ بضعيفها، بدعوتهم و صلواتهم و إخراجهم) رواه النسائی.

ترجمه: - بدون شک نصرت الله تعالی این امت را به سبب ضعیفان شان به سبب دعاء، نماز، و اخلاص شان می‌رساند.

دعوت و درخواست مردم معلول و معیوب پذیرفته شود، چرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم دعوت معذور را قبول کرد. در حدیث شریف آمده است:

(عن عتبان بن مالک رضی الله عنه: (أصابني في بصري بعض الشيء، فبعثتُ إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم أني أحبُّ أن تأتيني فتصليَ في منزلي فاتخذهُ مُصلياً، قال: فأتني النبيُّ صلى الله عليه وسلمَ ومن شاء الله من أصحابه، فدخلَ وهو يصلي في منزلي.) رواه مسلم.

ترجمه: - از عتبان بن مالک رضی الله عنه روایت است: (که در چشم من رسید تکلیفی، فرستادم به نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم شخصی را و من دوست دارم که توییائی و در خانه من نماز بخوانی که من آن مکان را جای نماز قرار دهم، راوی می‌گوید که پیامبر علیه السلام با تعدادی از اصحاب آمد و در خانه من داخل شد و او در منزل من نماز می‌خواند.

از جمله حقوق معذور و معلول احترام کردن آنها است و حفظ کرامت انسانی آنها و تمسخر کردن به آنها گناه است. الله تعالی می‌فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بئسَ الاسمُ الفسوقُ بعدَ الإيمانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ} [الحجرات: ۱۱].

ترجمه: - ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی از مردان شما گروهی دیگری را مسخره کند شاید آن گروه (مسخره شده) از این مسخره کنندگان بهتر باشد و نباید زنان، زنان دیگر را مسخره کنند شاید آن زنان از این زنان



مسخره کننده بهتر باشند و همدیگر تان را عیب جوئی نکنید و نه یک دیگر را با القاب زشت یاد کنید چه بد است یاد کردن کسی به فسق بعد از ایمان آوردنش و کسانی که توبه نکنند پس ایشان ستم کاران اند.

برای معذورین و معلولین باید خدمت همه جانبه شوند و ضرریات شان برآورده و پوره کرده شود در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَنَسٍ أَنَّ امْرَأَةً كَانَتْ فِي عَقْلِهَا شَيْءٌ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا أُمَّ فُلَانٍ انظري أَيَّ السُّكَّكِ شِئْتَ، حَتَّى أَقْضِيَ لَكَ حَاجَتَكَ، فَخَلَا - أَيْ وَقَفَ - مَعَهَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ، حَتَّى فَرَغَتْ مِنْ حَاجَتِهَا) رواه مسلم.

ترجمه:- انس ابن مالک رضی الله عنه میگوید: زنی که در عقل او خلل بود آن زن گفت یا رسول الله از برای من نزد تو حاجتی است، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ای ام فلانی ببین در کدام کوچه ای میخواهی بروی تا اینکه حاجت تو را پوره کنم، تا اینکه ایستاد شد همراهی همان زن در بعضی از راه هاتا که از حاجت او فارغ شد.

اولادهای صغیر معذورین و معلولین را سرپرستی و کمک کردن همه جانبه. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: (مَنْ تَرَكَ مَالاً فَلِوَرَثَتِهِ، وَمَنْ تَرَكَ كَلًّا فَلِإِنَّا). متفق علیه

ترجمه:- رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: کسی که مال متروکه بعد از وفات او مانده باشد او از وارث آن هست و کسی که از وی قرض باقی مانده باشد و یا اولادی سرپرستی آن به ما محول است.

معذورین و معیوبین با مجاهدین در اجر و پاداش مساوی اند. (عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجَعَ مِنْ غَزْوَةِ تَبُوكَ فَدَنَا مِنَ الْمَدِينَةِ، فَقَالَ: إِنَّ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامًا، مَا سِرْتُمْ مَسِيرًا، وَلَا قَطَعْتُمْ وادياً إِلَّا كَانُوا مَعَكُمْ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَهُمْ بِالْمَدِينَةِ؟ قَالَ: وَهُمْ بِالْمَدِينَةِ، حَبَسَهُمُ الْعُدْرُ) رواه البخاری.

ترجمه:- از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از غزوه تبوک باز گشت کردند و به مدینه نزدیک شدند فرمودند: که در مدینه مردمی هست با شما راهی را نپیموده اند و نه کدام وادی را پایمال کردند مگر اینکه با شما شریک هستند در اجر و ثواب، صحابه گفتند یا رسول الله آنها در مدینه هستند گفت بلی آنها در مدینه هستند ولی آنها را از رفتن به جهاد بند کرده است عذرشان.

همراهی معذورین و معلولین کمک کردن و به راهی درست آنها را رهنمائی کردن صدقه بزرگ است و معذورین را از راه مستقیم منحرف کردن گناه بزرگ است، رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: وَإِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالَةِ لَكَ صَدَقَةٌ، وَبَصْرُكَ لِلرَّجُلِ الرَّدِيءِ الْبَصِيرَ لَكَ صَدَقَةٌ. رواه ابن حبان وصححه.

ترجمه:- رهنمائی تو به مردیکه در بیابان راه را گم کرده صدقه است، و نگاه کردن تو به مرد لنگ صدقه است.

دریک حدیث دیگری آمده است: (لَعَنَ اللَّهُ مَنْ كَمَّهَ الْأَعْمَى عَنِ السَّبِيلِ) رواه الحاكم وصححه ووافقه الذهبي.  
قال الحربي: (أى: عمى عليه الطريق ولم يوقفه عليه).

ترجمه: - لعنت کرده الله تعالى کسی را که شخص نابینا را از راه منحرف میکند؛ حری میگوید: (راه را برآن گم میکند و او را رهنمائی نمی کند).

پنهان شدن از معلولین و معیوبین گناه بزرگ است، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: (مَنْ وَلَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الْمَسْلُومِينَ فَاحْتَجَبَ دُونَ حَاجَتِهِمْ وَخَلَّتِهِمْ وَفَقَّرَهُمْ، احْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ دُونَ حَاجَتِهِ وَخَلَّتِهِ وَفَقَّرَهُ). أبو داود وحسنه البغوی.

ترجمه: - کسی را که الله تعالى متصرف بخشی از امور مسلمین بگرداند و او پنهان شود از برآورده ساختن حاجت، مهربانی و فقر ایشان، الله تعالى در پرده قرار میدهد خود را از برآورده ساختن حاجت و مهربانی و فقر او .

رسول الله صلی الله علیه وسلم به کمک کردن به معذورین و معلولین امر کرده. (عن البراء بن عازب رضی الله عنهما قال: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِسَعِّ)، وَذَكَرَ مِنْهَا: (وَنَصَرَ الضَّعِيفِ، وَعَوَّنَ الْمَظْلُومَ) رواه البخاری.

ترجمه: - از براء بن عازب رضی الله روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را امر کرد به هفت چیز و ذکر کرد از جمله آن هفت چیز، نصرت کردن ضعیف و کمک کرده به مظلوم.

رسو الله صلی الله علیه وسلم از ظلم کردن بالای معذورین و معلولین منع کرده است: (عَنْ جَابِرٍ ، قَالَ : لَمَّا رَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَهَاجِرَةَ الْبَحْرِ ، قَالَ : أَلَا تُحَدِّثُونِي بِأَعَاجِيبِ مَا رَأَيْتُمْ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ ؟ قَالَ فِتْيَةٌ مِنْهُمْ : بَلَى ، يَا رَسُولَ اللَّهِ ، بَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ مَرَّتْ بِنَا عَجُوزٌ مِنْ عَجَائِزِ رَهَائِنِهِمْ ، تَحْمِلُ عَلَى رَأْسِهَا قُلَّةً مِنْ مَاءٍ ، فَمَرَّتْ بِفَتَى مِنْهُمْ ، فَجَعَلَ إِحْدَى يَدَيْهِ بَيْنَ كَتِفَيْهَا ، ثُمَّ دَفَعَهَا فَخَرَّتْ عَلَى رُكْبَتَيْهَا ، فَاَنْكَسَرَتْ قُلَّتُهَا ، فَلَمَّا ارْتَفَعَتِ انْتَفَتَتْ إِلَيْهِ ، فَقَالَتْ : سَوْفَ تَعْلَمُ يَا عُذْرٌ إِذَا وَضَعَ اللَّهُ الْكُرْسِيَّ ، وَجَمَعَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ ، وَتَكَلَّمَتِ الْأَيْدِي وَالْأَرْجُلُ ، بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ، فَسَوْفَ تَعْلَمُ كَيْفَ أَمْرِي وَأَمْرُكَ عِنْدَهُ غَدًا. قَالَ : يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : صَدَقْتُ ، صَدَقْتُ كَيْفَ يَقْدَسُ اللَّهُ أُمَّةً لَا يُؤْخَذُ لِضَعْفِهِمْ مِنْ شَدِيدِهِمْ ؟). سنن ابن ماجه.

ترجمه: - از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است و قتیکه مهاجرین از طریق بحربه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم برگشتند، پیامبر علیه السلام فرمود: آیا شما برای من سخن های عجیبی را نمی گوئید که آنرا در سرزمین حبشه پیدا کرده اید بعضی جوانان گفتند: بلی ! یا رسول الله صلی الله علیه وسلم؛ ما نشسته بودیم یک زن کهن سال از زنان راهب تیرشد که در سر آن ظرفی از آب بود، این زن از پهلوی یک جوان عبور میکرد که این جوان داستان خود را به شانه آن زن نهاد

واورا تيله کرد آن زن به یک (چقري) افتيد و ظرف آب او ميده شد وقتيکه بلند شده طرف جوان دید وبه وی گفت: ای غدر(بیوفا)! زود است که میدانی وقتيکه الله تعالی کرسی را بنهد مردمان اولین و آخرین را جمع کند، دست وپای آنان سخن بگوید به آنچه که کرده اند زود است که میدانی فردا چه گونه خواهد بود کار ماوتو به حضور پروردگار؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آن زن راست گو است آن زن راست گو است چگونه پاک کند الله تعالی آن امتی را که نمی گیرند حقوق ضعیفان شان را از زور مندان شان.

یکی از حقوق معذورین و معلولین نشت، برخاست، غذا خوردن همراهی ایشان است: ﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ﴾ [النور: ۶۱].

امام قرطبی در تفسیر این آیت میگوید: (که قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم در بین عرب ها و اهل مدینه این عادت بود که بامردم معذور و معلول بخاطر نفرت یکجا طعام نمی خوردند، بخاطر اینکه دست انسان نابینا در کاسه میگردد و انسان لنگ با اینها یکجای مینشیند، از این جهت این همه اخلاق بد زمان جاهلیت است. احکام القرآن.

در ادای نماجماعت توجه کردن به معذورین و معلولین، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: ﴿إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ لِلنَّاسِ فَلْيُخَفِّفْ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ الضَّعِيفَ وَالسَّقِيمَ وَذَا الْحَاجَّةَ﴾ رواه مسلم.

(وَلَوْلَا ضَعْفُ الضَّعِيفِ، وَسَقَمُ السَّقِيمِ، لَأُخِّرَتْ هَذِهِ الصَّلَاةُ إِلَى شَطْرِ اللَّيْلِ). رواه أبو داود

ترجمه: - پیامبر علیه السلام فرموده است: اگر بخاطر معلولین و معیوبین نمی بود من نماز خفتن را در نصف اخیر شب اداء میکردم.